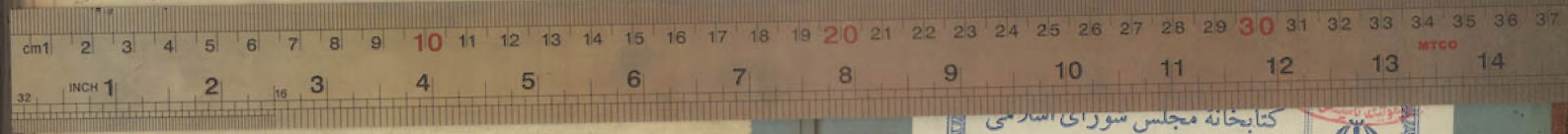




ادوم  
ایک قسم دکانی کہ وہ دادہ سے الگ ہے

[illegible][illegible]

10



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: تفسیر مجمع البیان  
مؤلف: سید فتح الرحمن  
مترجم  
شماره قفسه: ۱۴۸۷

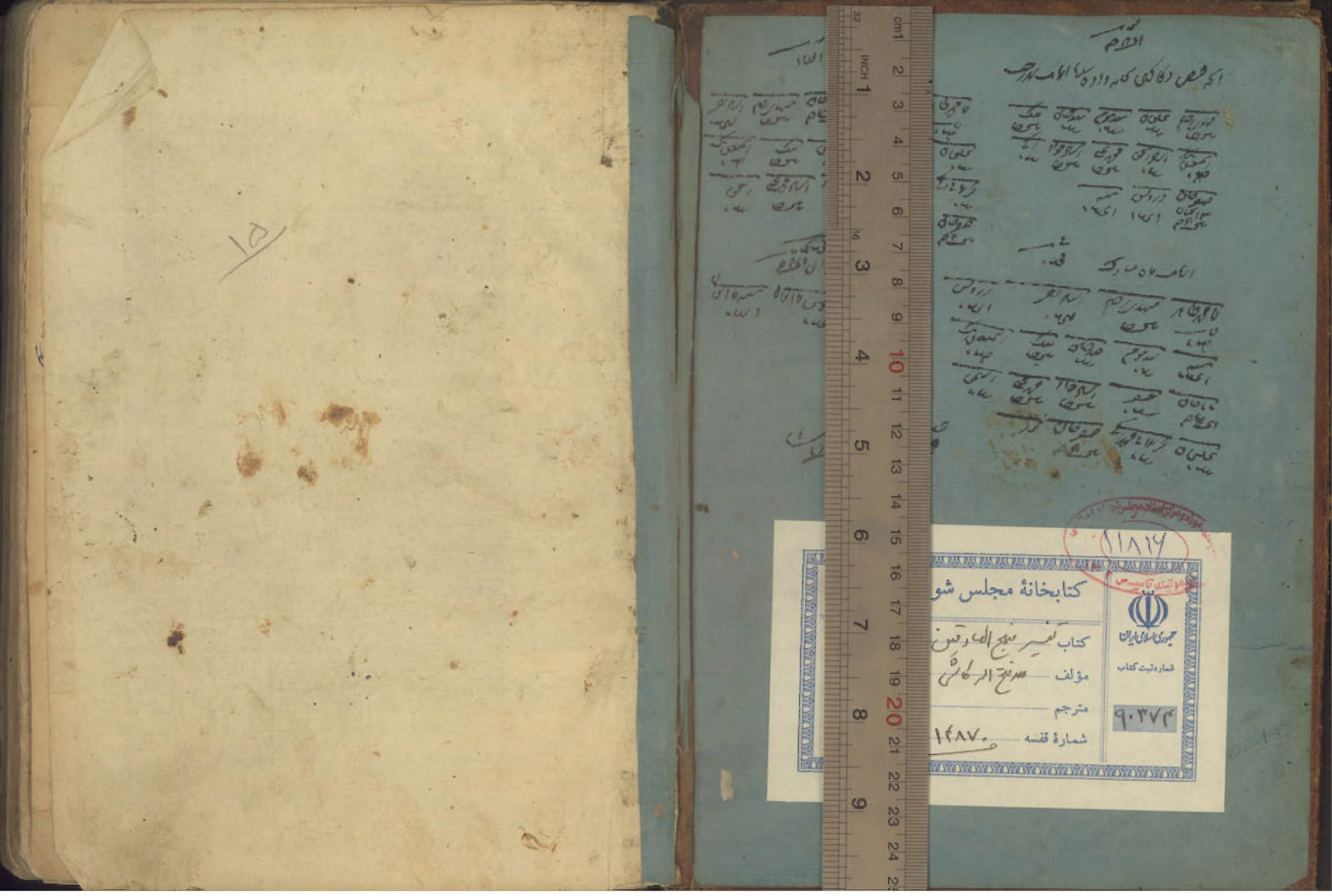
۹۰۳۷۴

ایک قصہ دیکھیں کہ وہ وارثہ الیام ہے

Handwritten manuscript page 2v from the Voynich manuscript. The page features musical notation on staves and a large decorated initial 'C'. The notation consists of symbols resembling 'w' and 'v' on a four-line staff. The large initial 'C' is decorated with a blue and red border. The page is numbered '2' in the center.

[illegible]

~~10~~





کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب تفسیر روح الباقین

مؤلف سید علی اکبر

مترجم

شماره قفسه ۱۴۸۷

۱۱۸۱۶

جمهوری اسلامی ایران

ساز و ثبت کتاب

۹۰۳۷۴

A circular library stamp in blue ink. The outer ring contains the text "کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران" (National Library of the Islamic Republic of Iran) at the top and "تاسیس ۱۳۵۷" (Established 1357) at the bottom. In the center is a stylized emblem of the Islamic Republic of Iran, featuring a sword and a crescent moon. Below the emblem, the text "کتابخانه ملی" (National Library) is written.

الحمد لله الذي هدانا لهذا  
 ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله  
 والحمد لله رب العالمين  
 في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٠  
 في مدينة الكويت  
 من يد الكاتب  
 محمد بن عبد الله



محمدی بوده که نامش بر بانی پنجاب شایسته لقب است که  
با وجود ادبی شکرا از او بر صفا است که آن سرمد هدایت ابدان را  
معانی قرآن پنجپات سر او را بر کسب که از کمال کرانه ازلی و جبین  
نور قرآنی است از نظر آنکه که حالت جنبای قضای سوخته را در  
مخوقات گردانید و در دو واحد و در دو ضمیمه است که در موه فضا است  
و بیان معانی قرآنی نموده و تالیفات غیر ناشای و تالیفات نامانجی  
و غیرت را بر او یاد کرد یک از ایشان ضحی الی کشاف اصول دین  
و تائید کمالی جامع الی ظاهر و ادب و حکم سید المبین و صلوات  
بر او باد و او که در کتب غنی نیست که علی شمر سعادت اخروی و سعادت  
سبب و سعادت دنیای و عقبی است پس داشتن این علم شریف سعادت  
نیاید و نامی و توفیق معانی تفسیر مع الصادقین فی الزمان الخ الی  
است مشرقی بسند و شریف و اثر است الهامی و الفانی و سید و غیر  
فان در وصف جامع ان المعرفه الی عرفان و در اللطف البصافی این است  
اکاشاف فی معنی اسمها و ادنی که نامها بینها میدکد چون تفسیر که در طلبت در  
در تکبیر بخون و اسرار و نکات عجمه و سنی و کثرت ادله و باری در بطلان  
شباهات معادین و اسباب مذمیه و خصومین صلوات الله علیه و علیهم  
علی و فقها و رسائل کلام و در فروع دین معین و بیان قصص طول و حکما باشد  
و جمیع این مطالب در برخی از کثرت قصص و اخبار بعضی از طایفه ان کلام  
در جمیع این مطالب در بعضی از کثرت قصص و اخبار بعضی از طایفه ان کلام  
المعین علی انزال و حفظ و اعاد و بیان قصص و اخبار و انوار و قصص و اخبار  
ایات بود و در بعضی از کثرت است و سبب و جمیع بطریق و بدین فکر و او را در کثرت

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or date, located in the upper right corner of the page.

و خاتم که در میان بخت شهرت یافته تمام دارد اقصای خود را بدست و سوار خلافت که خدش را با او طریق  
فاقت و سوار کلام بسیار آن اختلاف تغییر یافته باشد شادی این خواهد رفت و پیش از شروع در  
مسئله خود را در مسکن خود بخواهد که شعله شاد بریان احادیث و اخباری که دلالت میکند بر  
ایمان قرآن و دانش حقایق قرآن و چون ذکر احادیث را آورده درین باب و بیان ترجمه هر یک را  
در شهر کلام بطول بیکت از ترجمه آن اختلاف بمشیت آن بجهت بیشتر و از آن لفاظ احادیث که بران  
نموده از آن حقیقت فرود آمده و رسد لا غایت و التفتنی و موجز سیب و در حق اظهار  
واقع و مخفیان معرفت که حضرت در حالت ناهی علی علیه السلام در جنت و بیت و خود که در میان  
نموده و چنین نزدیک میکند از کتب خلافت و دیگر کتب اینست که خلافت اسم علم و حکما  
مسکن باین جر و در جنت دیگر کتب از این سر کرده اند و این هر دو را هم جدا نموده اند و ذکر  
و کوشش بین رسد و در حدیث قدسی آمده که هر که شغول شود بتلاوت قرآن و برسطه  
آن اشتغال تواند نمود بدعا کردن و حاجت خود را بین عرض کردن غنی شدن و فقر  
یا دعا خواندن و نام دارد در زمزم صابون و حمدان شست گم حاجت او داد که همیشه سوزا  
پیش و علی علیه السلام نقل کرده که قرآن احسان خداست که با آن جمع دنیا کار و دعوت فرموده  
بسی از جوان مفتاح و مخرج بندش پیدا و در جنت نیند فایده از آن فرموده و این و صیحات  
که هر دست در آن زند هر که از رحمت و اسرار محرم نشوند و در بیت روشی که با آن بر  
حق و دستان و دعا نیست نباید سوره مذکور مستفاد از چهل اذکار استقامت و مؤقران  
خلاف میشود و عاقبت که هر که با نام آن پیش بر می آید و در دعا و از جنت می رسد پس تلاوت  
مانند آن و اخبار بر چهره آن را و جنت نبوده و میگویم که اگر در حدیث است که یکم کثرت را در حدیث  
است و نام دارد و بعد از آن و حضرت بن عباس از نوری روایت کرده که در کتب حق از علی علیه السلام  
(ع) روایت علی علیه السلام شنیدیم که پیغمبر و آن جز نمای عیادت بسیار که در آن خبر شد  
و یک روز آن خطری افتاد و برای پیغمبر آن موقعی حاصل گشت و بعد از این عباس از رسول علی علیه السلام  
گفت که آن حضرت فرمود که شرفترین و عزیزترین آنست که حق را نشناسد و بعد از آن

شهره سمرقانی در زمان کوشه  
در این شهر کوشه در زمان  
در این شهر کوشه در زمان

[illegible][illegible]

10











وادیاتی و سایر جوانات و مصالح ارمنه تبارشان و از او سبب بن شد و او بیست و یک مرتبه تنهائی  
چیزه بزرگالت کرد و بنا کرد از آنست و آنها سکن روحانیت و عدد و این بن روا شد از آنست که خداوند  
جانه از او یکار و پرو کرد کار هاست از این کتب روایت کرد که او بجهت مزاج عالم خود نوشته اند  
چانه از او بچانه بطرف شرق و چهار هزار بانه بطرف غرب و چهار هزار بانه بطرف شمال و چهار هزار  
بانه بطرف جنوب و باینکه از ایشان بن عثمان فرستگاری باشد که حد ایشان بن غزانه آید بنی  
روایت کرد که هر که شربت بار یکدیگر بیارید و در روز پنجشنبه بر سر دریا که کعبه از آن کعبه سبب بن شود و بزرگ  
حد روایت کرد که بنی سون کوید بیارید بنی تنائی کوید یک یک و چون باریدیم و بیسم بن یکدیگر کوید از  
عزت خدا بدید که هر بنی بخوابی از بنی بخوابد بنی سیم در خواب بنی بارید و با سید نا که در خوابی بار  
باین اظهار لیل و واقع شده بخت از جلال الهام خدایه کرد بن سده حسن بن بن کرد و کوید بنی تنائی که  
کوید که از ایشان بن کوه آب سبب کرد بن بنی باریدیم و او را در غلیم کرامت فرمودیم بعد بکر  
از بنده ام در پشت و درون و در دست آسمان و در بین و بعد و بر این اشک و ما و هیچ سارکان  
و نظری ایمان و انواع خلق و کوهها و دریا و بعد و دریا از بنده ام در پیش و در کس و در این  
بر کس از ایشان بن کوه از در بن یکدیگر بنی خود کرده و بعد از صفت و بعد و در کس از ایشان  
الحججه یعنی بنی بنی که بنده ام در پشت و درون و در دست آسمان و در بین و بعد و بر این اشک و ما و هیچ سارکان  
روایت کرد که بنی سون کوید بیارید بنی تنائی کوید یک یک و چون باریدیم و بیسم بن یکدیگر کوید از  
عزت خدا بدید که هر بنی بخوابی از بنی بخوابد بنی سیم در خواب بنی بارید و با سید نا که در خوابی بار  
باین اظهار لیل و واقع شده بخت از جلال الهام خدایه کرد بن سده حسن بن بن کرد و کوید بنی تنائی که  
کوید که از ایشان بن کوه آب سبب کرد بن بنی باریدیم و او را در غلیم کرامت فرمودیم بعد بکر  
از بنده ام در پشت و درون و در دست آسمان و در بین و بعد و بر این اشک و ما و هیچ سارکان  
و نظری ایمان و انواع خلق و کوهها و دریا و بعد و دریا از بنده ام در پیش و در کس و در این  
بر کس از ایشان بن کوه از در بن یکدیگر بنی خود کرده و بعد از صفت و بعد و در کس از ایشان  
الحججه یعنی بنی بنی که بنده ام در پشت و درون و در دست آسمان و در بین و بعد و بر این اشک و ما و هیچ سارکان  
روایت کرد که بنی سون کوید بیارید بنی تنائی کوید یک یک و چون باریدیم و بیسم بن یکدیگر کوید از  
عزت خدا بدید که هر بنی بخوابی از بنی بخوابد بنی سیم در خواب بنی بارید و با سید نا که در خوابی بار  
باین اظهار لیل و واقع شده بخت از جلال الهام خدایه کرد بن سده حسن بن بن کرد و کوید بنی تنائی که  
کوید که از ایشان بن کوه آب سبب کرد بن بنی باریدیم و او را در غلیم کرامت فرمودیم بعد بکر  
از بنده ام در پشت و درون و در دست آسمان و در بین و بعد و بر این اشک و ما و هیچ سارکان  
و نظری ایمان و انواع خلق و کوهها و دریا و بعد و دریا از بنده ام در پیش و در کس و در این  
بر کس از ایشان بن کوه از در بن یکدیگر بنی خود کرده و بعد از صفت و بعد و در کس از ایشان  
الحججه یعنی بنی بنی که بنده ام در پشت و درون و در دست آسمان و در بین و بعد و بر این اشک و ما و هیچ سارکان

[illegible]

نجات و دستبردیت واقعه خضران و زبان کاری که در آنجا مظهر حق اعلیٰ البیت علیه السلام را  
 جلایه برادره روایت است که مثل اهل البیت بن کمال شریفی پشت سر گردن حق تعالی پشت از حق تعالی  
 یاست و در پشتش فرق شد و جدا یافت گرفتار داشت خاصه صحنی است که در آنجا است و در راه  
 بار طاعت بدر صراط الدین انفتح علیکم که راه که نیست که انعام کردی را بشاید  
 بهایه و طریق طاعت خود را در او بر تراز و صیقلان و شند او اهل این جاس خزوه که در احوال  
 کرمه موسی و عیسی علیه السلام بودند و بطریق امان ایشان یعنی نازدها که در کتب اوست مذکورند و از نازده  
 شریف است سیزده خود کردند و آن طریقی اهل بیت تراز است غیر العنصوب علیهم و طریق  
 کسانی که غضب و خشم واقع شده بر ایشان و این باعث خود را در سبب عباد و طاعتان که  
 بخیران و خیریت قویند در اعمال ایشان خشم گرفت و در حق ایشان فرمود که غضبنا علیه علیهم  
 ولا الضالین و در راه حاجتی که در این طریق را در ترازها که بعضی را در کتب و بعضی را در  
 ایشان که در گذشته و از راه راست که در راه ایمان و فضیلت بخش خیران و کتابهای ایشان است  
 که در سبب میل طاعت و کرامی کرده اند که در اعمال و طواعی سواء البیبل روایت است که در  
 در دایره احوال با وجود آن و تراز سببان که در ترازها که در ترازها است که در ترازها که در ترازها  
 اینجا که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها  
 ایشان که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها  
 رسالت علی را در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها  
 که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها  
 دل و از او را بشود و در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها  
 این بود که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها  
 و در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها  
 او را در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها  
 دل و از او را بشود و در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها که در ترازها

[illegible]











روشنیهای

[illegible]

10































[illegible]

درای

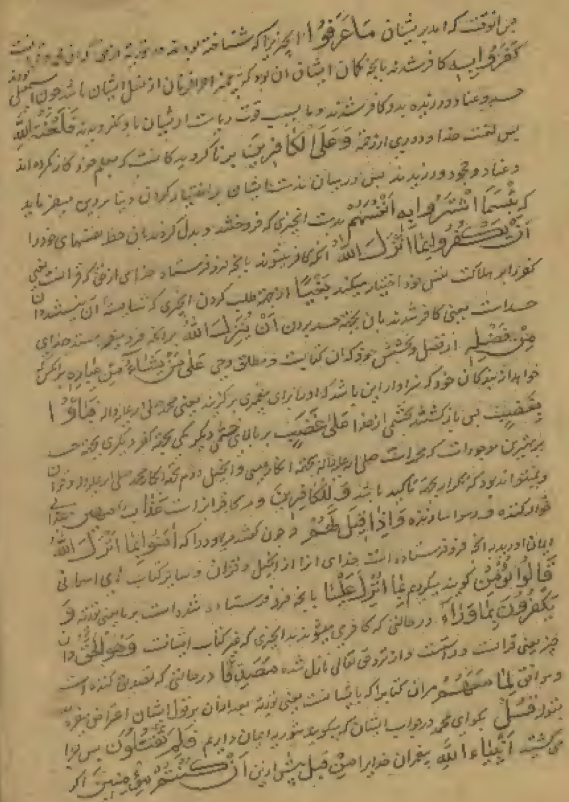
المجلد الثاني

بافتہ

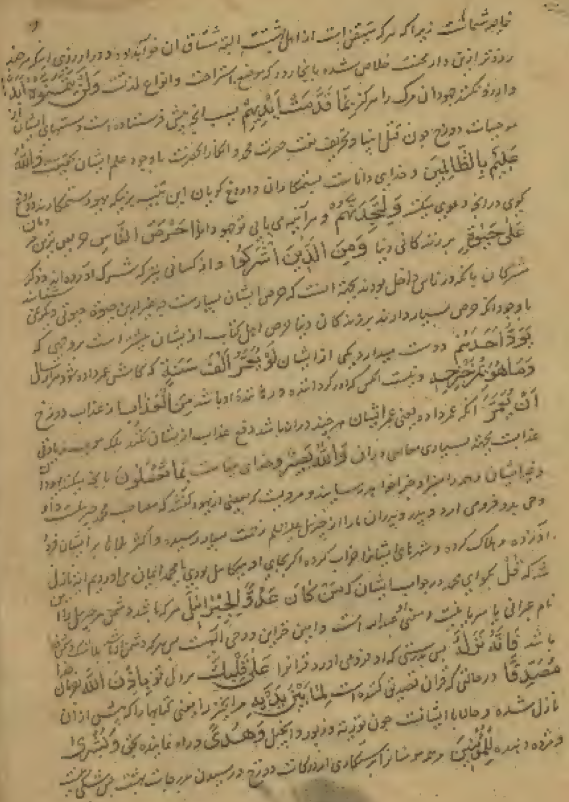








بودید که در میان آن بنواریت ثبت قتل بریدوان زندانی می یافتند است که آن قتل میان ایشان  
بود ایشان بان را می نمودند و در حد قتل گرفتند و قتل جاهل که خوشی و بدیشی که او بدیشی  
با ایشان بود می داشت و دشمن ملائکه خدا دوست گردیدند و در اینها موسی ایستاد ایشان را  
خداوند تعالی را می فرمود که او را در میان ایشان از این دشمنی موسی بخود داشتند  
فلا یؤمنوا و شما پیدا کردن و شما را آن بودید نفس خوب بود که می کشیدند و با او بودند  
چون است او را از آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که  
فوقه الطهر و در وقتیکه بر سر شما کسی را که سرب و در وقتیکه بر سر اسیران که می کشیدند کان  
شیرین است و شترهای شام و در وقتیکه بشما که در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که  
یقین بخوبی دوست و بدی تمام و قتل و بدی بدی و در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که  
شما که در وقتیکه در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که  
و خود را بدو شد یعنی سامری و با و در وقتیکه در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که  
ما بر این گران و در وقتیکه در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که  
کرد بدین وجود و خداوند و ایشان را ایشان را خداوند و در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که  
در وقتیکه در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که  
با خداوند و در وقتیکه در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که  
و زمان آن که در وقتیکه در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که  
بنواریت یعنی که در وقتیکه در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که  
بر این بنواریت ایمان نداشتند و ایشان را و در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که  
فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که  
شما که در وقتیکه در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که  
خاسته است در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که  
الکون است بر او که می نمودند و این که در وقتیکه در آنجا که فرمود که در آنجا که فرمود که در آنجا که







تو با عقدا گردان اندر محل چو کنی نیست و در وایت اند که کسب قیام این دور نشسته  
مان این دور گردان زمان ساحران دعوی یزیدی بگردان بس قیامی شدی آن دور نشسته را اگر  
تا پیش چو کنی یزیدی آن دور گردان را بگردانیت خود و جنت آن مطلع شد و سحران آن مدعیان  
سبوت کردند و مردمان ظاهر کردند که سواران و زمینیان کاتب اند و از گردان بینا بدو جنت  
نیز بین بکند بی خود دارند و نشسته ازای گرفته خصلت یزیدی های می آموخت و ایشان تا بقدر  
به اینچنینی چو را که جای آنگشته یعنی نزدیک تر نشسته بکند بسبب آن یزیدی ها و در بعضی  
مردمان اندر محل کردن بان ایشان را می کردند و تا بهم می نشست سواران چنان و این  
رسایند بسبب **حرفین حله** **بکس را لا الی الا الله** می علم می یزیدی چو کس  
و بدان ضرب بفرستد که کس علم خدا می نمانی بان نشستی گرفته مراد است که نشانی خدا را  
ایشان را می سازد و می رسد و نشسته مراد باذن تخلیه است یعنی چو هرگز نشسته رسیده کرد و کس  
خدا را ایشان را زاری کرد و مع گردان او ایشان را بگردان خود را خدا می ایشان می نشسته کرد و بیکان  
اگر و او را خدا را می نشسته و این قول از زمان غیبت است و اینست و کلامه که گردان یعنی نشسته  
ست یعنی کس استحقاق ندارد نشسته باشد آن بخوری رسد و اگر رسد و بیکان می آموختند  
سایقه **خدا** آنچه را که زبان رسد خدا را زاری آن عمل نشسته و لا ینفعکم و رسد و نشسته  
دیر که کس علم خدایان رسد بگوید **وَلَقَدْ عَلِمُوا** و رسد و دانست و رسد و **وَلَقَدْ عَلِمُوا**  
و رسد و این بر آن کس را مدعی می باشد که با مرور زمان و عمل کس که **فَاَلَا عَجَبًا** باشد  
و در او این سبب است **مِنْ خَلْقٍ** و رسد و بگوید که رسد و بگوید که رسد و بگوید که رسد  
خلاصی باشد از عذاب **وَلَقَدْ عَلِمُوا** و رسد و بگوید که رسد و بگوید که رسد و بگوید که رسد  
آن چو سببای خود را بین خط نشسته مراد از مدعیان نشسته و کلامه که **وَلَقَدْ عَلِمُوا** که رسد و بگوید که رسد  
کسند و آن با علم کسند یعنی آن و یا دانستند که رسد و بگوید که رسد و بگوید که رسد  
عمل کردند و **وَلَقَدْ عَلِمُوا** می رسد و بگوید که رسد و بگوید که رسد و بگوید که رسد  
چو **وَلَقَدْ عَلِمُوا** و رسد و بگوید که رسد و بگوید که رسد و بگوید که رسد

[illegible]

نور

[illegible][illegible]















































[illegible][illegible][illegible][illegible]







































ما جفود و قال

فوقه قشمر ترک شد و در کوه چو خنده از شکر بایان ماه و در شرف خیزد و در میان قشما  
چاقاوه بل نامند که کشیدند از آن بوی حق طایر است و الذین آمنوا و امنوا بر باری  
اورده بود و قول او را صدقین کرده حق با او یعنی با اتفاق او از آب یک شمشه خالو الفش  
یکم بر سر بشارت بدو شرف و دولت و شرف لایحظه که انوار بوی شمشه با بار بار باری ابرو  
بحالوت و حسن و جود و شکر باری او را زمین علی این بر مویست که او را در شمشه  
شش مراد از بوی کشیدند و چهار مراد از کشیدند و شش ایشان بر شش کالوش نام برادر  
شماره و درخت زبانی زسان و در بل شکر کشیدند و در حرم طایر در بزم قال الذین  
يعقلون گفتند ما که متیقین بودیم و متیقین میباشید انهم هم قوال الله که ایشان غایت  
کرده اند پس در این خدای که شوقان علم است و ان جانت سجد کردن و بوی شمشه  
طایر که از بوی یقین و طهارت است که کشیدند که در بوی قلیله بسیاری آورده اند که از بوی  
علیه غالب شده اند و کشته کرده و سیر از بل کوه و عدوان با او الله و بوی  
و در کوه خدای است و الله مع الصابرين و خدای با صبر کنندگان است و شرف و دولت و قشما  
نور و امان که در کوهستان صادقان و خاصان طایر شکر باری و حقیقت کارزار داشت کرده  
بحالوت و حسن و جود و شرف طایر و شکر باری و حال او کشید از بوی باز که زبانی کار باری  
از بوی علی است و در بزم بر شمشه باری و زمین بر سر بسیاری و شکیبایی بسیار و باری باری  
کردن و ثبت اخذ است و در کوه خدای خود خدای ما را در میان حرم  
و انصرنا و باری ده ما را علی القوم الکافین کرده اند که در باریان قصص و قصص  
هم کشیدند که فرای ما را در حق الله باریان خدا یعنی بر اعات و توفیق و و قشما و او  
حالوت و شرف و در باری ایشان طایر را شکر طایر که در بوی ده خود ابرو شرف  
شکر کشیدند و شرف شریف باریان شد و شکر ابرو و شرف و حالوت از او را زمین  
من عاود مردی عظیم الحمت و شرف ابرو که بوی شسته که در باری و در باری باری  
بود و حرم که در بوی شکر در باری الله و شکر باریان شکر و شرف و شرف و شرف

[illegible][illegible]







































چونکه این کتاب را در این روز است که به صورت این کتاب درآید  
و این کتاب را در این روز است که به صورت این کتاب درآید

[illegible][illegible]

مجلسک کفر و فسق در کربلا و شهادت آید و اندک در جنگ انجام

[illegible]

مجلس تصدیق و توثیق  
در شهر تهران  
در روز پنجشنبه ۱۳۰۴  
در محضر آیت الله العظمی  
میرزا محمد تقی  
مجلس تصدیق و توثیق  
در شهر تهران  
در روز پنجشنبه ۱۳۰۴  
در محضر آیت الله العظمی  
میرزا محمد تقی

محمد بن یحییٰ بن محمد بن یحییٰ















لا تفتك منكم شيئا من الدنيا من درختي بل من شيئا من الله هوذا  
 عذابي يومئذ على كل كفار منكم انكم كنتم تصفون

حسن

ح



























































و از حالت اولی عاقل بخرم است  
از آنست که کند خدایکوی که خدایک  
مخلص و کلام ساقی

۱۱۲

21.











[illegible][illegible][illegible][illegible]



















تذکرہ

21

والله اعلم بالصواب

[illegible]















[illegible]

کن امیں

[illegible]

لِيَأْمُرُوا

باب

[illegible]

در وصف ان قوم است برادر

[illegible]

1875















3/4

م  
مرکز کربلا ایضا علیکم السلام و آله و سالت حضرت ابا ذر غفیر الله عنه

1

الشاهد بان بگوشت و استخوان ملاخذه استم من و ابرو سازش است اقلها و دستان  
 حتی قطا و اوستی که بران آورده معجزت کند از همه بزرگ است و در سجده است و در سجده است  
 رختی صابونی بر خاشاک خالی نشاندن و از این رو بوی و رختی خاص قرصه اش خاف تو را  
 پس اگر او بر سر گذاشتن و در حرت خلاصه هم می گردید از او بگریزید و از او بگریزید  
 حبت وجد شو هم هر جا بیدار باشد و درین حال و درام توجیه سازد و لا خذوا  
 ستم و دیگر سازش است و لا خذوا ستم و لا خذوا ستم و لا خذوا ستم و لا خذوا ستم  
 بصاوت الی قومهم و بیستم میانی بین نشو و نشان پانی و ان فیلهای فراموش  
 بانی هر که منصلی سلطان را بپوشان خود کرده و در هر که بپوشان دایره دمالی اختراست باشد  
 افحا فاکه یا کما از که در دنیا حضرت صد و هفت و در هانی نکند و در هانی بپوشان  
 آن بقا یانو که از که در دوازده باشد یعنی که در دوازده باشد از که در دوازده باشد از که در دوازده باشد  
 فو مده یا که در دوازده باشد از که در دوازده باشد از که در دوازده باشد از که در دوازده باشد  
 و در قرین برین طرف حکم کرده و لا شاک الله و اگر بپوشی صابی و در قرین برین طرف حکم کرده  
 سلطان علیکم مرا بپوشی صابی و لا شاک الله و اگر بپوشی صابی و در قرین برین طرف حکم کرده  
 قلنا یانو که در دوازده باشد از که در دوازده باشد از که در دوازده باشد از که در دوازده باشد  
 اعترس لولیس از که در دوازده باشد از که در دوازده باشد از که در دوازده باشد از که در دوازده باشد  
 بعد با شفا و لا شاک الله و لا شاک الله و لا شاک الله و لا شاک الله و لا شاک الله و لا شاک الله  
 علیه خا جاعه الله من ساعت خرابی و نداد لکم رشتی و اعلمهم سبیل ایشان را بی  
 در قرین ایشان و غارت اموال ایشان یعنی شمار اذن غارت اموال و بیایان  
 این بر این پایه فاذا استخ لاهل الحرام منزه است سجده و اجوبی در دوازده باشد از که در دوازده باشد  
 و دیگر در دوازده باشد از که در دوازده باشد از که در دوازده باشد از که در دوازده باشد  
 که این نوشته از شمع و در برین با گرد که در دوازده باشد از که در دوازده باشد از که در دوازده باشد  
 کمالا زود را که خوانده منزه و لا شاک الله و لا شاک الله و لا شاک الله و لا شاک الله و لا شاک الله







52

大德

[illegible]































John

[illegible][illegible][illegible]























تاریخ

المشقة

[illegible]



































































مرکز این دوره آموزش حقوق و دادگستری  
در تهران است و در این مرکز  
در سال ۱۳۴۳

وَسَمِعْتُمْ كَيْفَ نَادَىٰ إِلَىٰ الْهَرَمِ  
وَأَنَّ كَيْفَ نَادَىٰ إِلَىٰ الْهَرَمِ

137

[illegible]











































فصل فی بیان  
تأثیرات و اثرات  
و اثرات و تأثیرات  
و اثرات و تأثیرات

5







یہ تحریریں

[illegible]

من

[illegible]











































[illegible]

میتان

[illegible][illegible][illegible]



[illegible][illegible]

ثابت لا يتغير وقتاً

[illegible][illegible]











[illegible][illegible][illegible]

و در حضرت که مراد از بیانات سخنان او در حضرت است یک دو جماعت و قطع

[illegible]











































[illegible][illegible][illegible][illegible]







کرد که خدا دانی نام خوانم و بگویم

القسط الخامس

سید

2

[illegible]















و اصحاب مدینه و اهل بیت و کوفه و حبش و اندلس و اسی که از اندلس و حبش

[illegible]

مال

[illegible][illegible][illegible]































بج

در کتب معتبره

خبرنامه

[illegible]



















کتابخانه

[illegible][illegible][illegible]































































































*[Faint handwritten notes at the bottom of the page, likely bleed-through from the reverse side.]*

دینی

7















[illegible]

بفضل

بفضل

بفضل















بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم  
موسى وهارون عليهما السلام  
نبيين ورسلين واولاداً  
وآلهم الطيبين الطاهرين

وہاں ان حضرات کو جو کہ



































































مرقس

[illegible][illegible]



































